



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۸ اپریل ۲۰۲۰

فریده نوری

نویسنده: جورج لوفیفر (Georges Lefevre)

منبع: لومانند دیپلوماتیک

ترجمه: فریده نوری

هزیمت یا فرار امریکا از افغانستان

توافق نامه مضحک و خنده دار بین واشنگتن و طالبان، برای خروج قوای امریکا بدون تقریبا هیچ نوع مخالفت و ممانعت از جانب طالبان.

موجودیت بُن بست در اقتدار کابل که حتی آقای مایک پامپیو (Mike Pompeo) در سفرش به تاریخ 23 مارچ 2020 میلادی موفق نشد این بُن بست را خاتمه دهد.

نتیجه: ایالات متحده امریکا کمک های سالانه اش به افغانستان را یک میلیارد دالر کاهش داد.

به تاریخ 29 فبروری، زلمی خلیل زاد از جانب امریکا و ملا عبدالغنی برادر از جانب طالبان در دوحه، بالاخره توافقنامه را که از ماه سپتامبر سال 2018 میلادی بالایش بحث و مذاکره داشتند، امضاء نمودند.

توافق نامه صلح؟

صلحی که از آن بسیار دور هستیم.

استفاده نامناسب کلمه «صلح» از زمان آغاز این جریان، باعث انحراف در تحلیل و خلق نمودن امیدواری های غلط و بیجا گردید.

در هنگام اعلان امضاء تعدادی زیادی از افغان ها خوشی، رقص و پایکوبی نمودند، اما در فردای آن زمانیکه طالبان دوباره حملات شان را از سر گرفتند، خوشی به یأس مبدل گردید.

در حقیقت هیچ وقت سوال مذاکره برای صلح مطرح نبود، زیرا دولت افغانستان در این مذاکرات به حاشیه رانده شده بود. این مذاکرات جهت جست و جوی شرایط مساعد برای خروج قوای امریکایی از افغانستان، فارغ از بی آبرویی و بدنامی زیاد که باید به صورت مصالحت آمیز صورت می گرفت، به راه انداخته شد. زیرا قرار وعده های انتخاباتی رئیس جمهور امریکا (Donald Trump)، که در سخنرانی های انتخاباتی خود با هیاهوی زیاد از خروج عساکر خود در ماه دسامبر 2018 میلادی تأکید نموده بود، برای این که یک حد اعتدال را در مقابل طالبان نشان بدهد، از آن ها درخواست قبولی چهار امتیاز را نمود که عبارت می باشند از:

– آتش بس

– مذاکره با دولت افغانستان

– تعهد نمودن طالبان به این که دیگر هیچ نوع حمله و سوء قصد علیه ایالات متحده امریکا از خاک افغانستان راه اندازی نشود.

– بالاخره ضمانت گرفتن امنیت جهت خروج تدریجی قوای امریکا.

آقای خلیل‌زاد که خودش یک افغان الاصل امریکایی است، نتوانست هیچ نوع وعده از جانب هیئت طالبان بعد از اولین توقف مذاکره از ماه جنوری 2019 میلادی به دست بیاورد، بر عکس ملا برادر درخواست امتیاز آن ها را که همانا آتش بس است، قبل از خروج عساکر شان رد نمود، و از آن هم بدتر، مذاکره با دولت افغانستان را قبول نکرده و از دولت افغانستان به صفت یک بازیچه (marionette) یاد نمود.

طالبان تنها دو مورد دیگر را که عبارت از ضمانت برای گرفتن امنیت خروج عساکر امریکایی و قطع نمودن روابط شان با دیگر گروه های تروریستی بود، قبول نمودند.

عجله نمودن رئیس جمهور امریکا آقای ترمپ برای خروج عساکرش به این دلیل بود که قبل از داخل شدن برای مبارزات انتخاباتی، این عملیه صورت گیرد تا موفق شدن دوباره وی در ماه نوامبر آینده را تضمین کند.

امتیازات بسیار ناچیز و جزئی:

در سرک های کابل خرسندی اندک مردم زیاد دوام نکرد، طالبان خود را برنده بازی نشان دادند. آتش بس طالبان تنها کمتر از یک هفته دوام کرد، و کم شدن خشونت به اندازه ناچیز و کم اهمیت، قبل از امضاء نمودن، توافق نامه را همایی کرد، در حالیکه مذاکرات بین الافغانی قطعاً به حقیقت نپیوست.

چگونگی و طرز عملی نمودن توافق نامه نشان دهنده این است که متن به دست آوردن امتیازات امریکایی ها تنها در روی کاغذ جای زیاد را اشغال نموده است، نظر به گرفتن رضایت از جانب طالبان که بسیار محدود و مبهم می باشد.

نخستین پیشنهاد رئیس جمهور ترامپ دلالت بر این می کرد که هر چه زودتر نصف قوای خود را خارج نماید، و نصف باقیمانده را تا چهار، پنج سال آینده و به صورت تدریجی از افغانستان خارج خواهد کرد.

قسمت دیگر قوای ائتلاف بین المللی که زیادتیر از هشت هزار عسکر می شود، باید برای یک مدت زیاد یعنی تا زمان که لازم باشد برای تعلیم و آموزش اردوی افغان باقی بمانند.

فلهذا در توافق نامه اخیر، وعده خروج تمام عساکر خود را در چهارده ماه و همچنین تمام افراد ملکی امریکایی به غیر از دیپلمات های شان، تمام کارکنان شرکت های امنیتی شخصی، مشاورین، استادان... و غیره به حسب یک تقسیم اوقات فشرده:

135 روز برای تخلیه نمودن پنج پایگاه نظامی و خروج یک بر سه قسمت دیگر افراد.

به صورت عجیب و به طرز غیر عادی امضاء نمودن موافقت نامه تنها توسط امریکایی ها، سبب می شود که ممالک دیگر این ائتلاف بین المللی را مجبور سازد که آن ها هم به همین تناسب اقدام نمایند. بقیه قوا لازم خواهد شد که در ظرف نه و نیم ماه آینده خارج شوند.

امریکایی ها بدون مشوره دولت افغانستان، به نام دولت افغانستان تعهد نمودند که قبل از دهم مارچ پنج هزار زندانی طالب را رها می نمایند و به تحریمات شان علیه طالبان قبل از بیست و هفتم اگست آینده پایان می بخشند. همچنین لیست طالبان که برای سر های شان قیمت گذاشته شده است از بین می برند، لاکن تا به حال هیچ کدام از این نقاط جامعه عمل نپوشیده است.

در مقابل وعده های امریکایی ها، امتیازات ای که از طرف طالب ها داده شد، بسیار ضعیف، مبهم و گنگ می باشد، در حالی که طالبان وعده مذاکره با تعدادی از افغان ها را داده اند، لاکن در متن مشخص نشده است که این تعداد افغان ها کی هستند.

زیرا طالب ها دولت افغانستان را به رسمیت نمی شناسند.

آنچه مربوط به آتش بس می شود، به حیث یک عنصر بالای تقسیم اوقات مذاکرات باقی خواهد ماند. زیرا در گرفتن امنیت زیادتر، گرفتن امنیت خروج عساکر خارجی و منافع امریکایی ها مورد بحث می باشد. برعکس در مورد تعهد شان که همانا قطع رابطه با القاعده خواهد بود، خیلی مشکوک است، زیرا که شخص نمره دوم اداره اجرائیوی طالب ها، کسی دیگری نیست به غیر از سراج الدین حقانی، پسر جلال الدین حقانی رهبر شبکه تروریستی سابقه به همین نام.

در حقیقت رول اول وی بازی نمودن نمایندگی از شبکه القاعده در داخل این اداره می باشد، قسمی که پدرش جلال الدین حقانی عین رول را در پهلوی ملا محمد عمر داشت:

زیرا پدرش جلال الدین حقانی امکانات مستقر شدن اسامه بن لادن را در اولین پایگایش در سال 1986 میلادی در جاجی که ساحه تسلط وی بود، داد، که به تعقیب آن اعضای القاعده اجازه توسعه و انکشاف را دریافت نمودند.

در بین اعضای القاعده عناصری مانند چیچینی ها، ازبک ها و زینجیانگ از چین (Xinjang- Chine) نیز شامل بودند، که در مناطق تحت نفوذ جلال الدین حقانی در افغانستان و وزیرستان پاکستان مستقر شدند.

اما تمام این ها برای طالب ها ضروری ندارد، یک صفحه تاریخ است که آن ها عهده دار آن می باشند.

در هنگام مذاکرات در دوحه و از طریق وبسایت رسمی شان به نام صدای جهاد (voice of Jihad) آن ها به صورت متداوم به مبارزه علیه تروریست و همچنان مبارزه بر ضد تشکیلات دولت اسلامی (Organisation de l'Etat Islamique) تأکید می نمودند.

فاصله بین حقیقت بدون راه حل در این معاهده و شیفتگی رسانه ای که آن را همراهی می کند به اندازه است که بعضی از عناوین بالای آن در رقابت اند:

به طور مثال: موضوع: «هیچ وقت در افغانستان به این اندازه نزدیک به صلح نبودیم».

جامعه بین المللی و همین رسانه ها وقتی طالبان دوباره به جنگ آغاز نموده و حملات شان را از اول مارچ ادامه دادند، خاموش ماندند.

وبسایت امریکایی (Long War Journal) از 147 حمله در 27 ولایت از 35 ولایت از اول تا به دهم مارچ آمار داده است.

اما مطابق به معاهده، قوای خارجی را مورد حملات خود قرار ندادند، زیرا در معاهده فقط به همین نقطه موافقه، عمل نمودند.

از طریق صدای جهاد (Voice of Jihad) که به پشتو نشرات دارد، در یک فتوی طالبان خاطر نشان نمودند که «طالبان به جهاد خود تا تشکیل دوباره امارت اسلامی افغانستان ادامه خواهند داد».

از طرف دیگر رئیس جمهور افغانستان اشرف غنی، از این که در مورد رهایی پنج هزار زندانی طالبان با وی مشوره نگردیده بود خیلی خشمگین و برآشفته گردیده و در ابتدا رهایی پنج هزار زندانی طالب را رد نمود، بعداً تصمیم گرفت که یک تعداد را به وقفه ها رها کند:

در قدم نخست 1500 نفر را روزانه صد، صد نفر بعد از تاریخ هفتم مارچ، بعداً 3500 نفر باقیمانده را بعد از هر دو هفته، بعد از شروع مذاکرات با طالبان رها می نماید.

طالب ها به صورت مطلق پیشنهاد وی را رد نموده و علاوه کردند که هیچ نوع گفت و گو با رژیم کابل تا رهایی تمام زندانیان شان صورت نخواهد گرفت.

سه هفته بعد از امضاء، معاهده دوحه در بُن بست گیر مانده است. عیناً مانند سال 2014 میلادی، که تکرار آن روشنی می اندازد به حوادث و آسیب های که مانند یک مریضی به بدنه افغانستان صدمه وارد نموده، و به صورت دردناک آن را می ساید.

در حالیکه خروج قوای ناتو، باید به تعقیب یک «معاهده دو جانبه امنیت» (BSA) صورت می گرفت.

اوضاع امروزی کم و بیش به اوضاع سال 2014 شباهت دارد، زیرا باز هم موضوع خروج عساکر و امضاء نمودن توافق نامه با طالبان در انتخابات فعلی ریاست جمهوری که اوضاع خیلی زیاد درهم و برهم است، صورت می گیرد.

در سال 2014 میلادی رئیس جمهور قبلی حامد کرزی قرار قانون اساسی افغانستان نمی توانست برای بار سوم خود را کاندید نماید، فلذا امضاء نمودن «معاهده دو جانبه امنیتی» (BSA) را رد می کند و مسئولیت را برای جانشین خود محول می نماید.

اما جریان انتخابات هشت ماه دوام می کند، اشرف غنی و عبدالله عبدالله هر دو بالای برنده بودن شان شدیداً دعوا می کنند. این دعوا مدت هشت ماه دوام می کند و در این مدت هشت ماه قوای اجرائیوی افغانستان در حالت رکود قرار داشته و امریکایی ها بدون مخاطب می مانند.

در همین زمان که این سطور نوشته می شود، نتایج انتخابات 28 سپتامبر 2019 میلادی باز هم زمینه جدید برای دعوا، و بگو و مگو فراهم گردیده و قدرت اجرائیوی افغانستان را در رکود قرار داده است.

خلیلزاد که حیثیت میانجی را برای امریکا دارد می کوشد تا این بحران را حل نماید.

طالبان کیف می کنند:

زیرا مخاطب برای مذاکرات که باید به تاریخ دهم مارچ 2020 میلادی شروع می شد، وجود ندارد.

خروج بدون افتخار:

مثل همیشه یک راه حل ولو شکننده باشد دریافت خواهد شد، اما این بُن بست که توسط دو شگاف یا شکستگی که افغانستان از آن رنج می برد، نشان داده می شود.

یکی منطقه پشتون هاست که طالبان از آن مستفید می گردند. دعوا بین غنی و عبدالله عبدالله نشان دهنده درد این سر زمین است:

شمال مملکت که مناطق پشتون نشین نیست، منطقه انتخاباتی عبدالله عبدالله می باشد که از جمله یکی از همراهان سابقه قومندان احمد شاه مسعود است.

در حالیکه منطقه انتخاباتی اشرف غنی با وجودی که برای شخص وی رقابت های قومی و نژادی اهمیت ندارد، به صورت طبیعی در مناطق پشتون ها، مخصوصاً قبیله احمدزی قرار دارد که وی اصیل آن می باشد.

این دلالت به حقایق تاریخی و *Antheropologie politique* یا انسان شناسی سیاسی می نماید که به تنهایی مقاومت در برابر شورش را تشریح می کند:

ستراتژی امریکا به این حقایق توجه ننموده و رئیس جمهور ترمپ به صورت قطعی به این معضله بی توجه می باشد. یک برخورد (*antheropologique*) انسان شناسی برای مصالحه و آشتی ملت افغان به صورت معجزه، آمدن دوباره طالبان را دشوار می سازد.

اما چیزی که شده: عبارت از توافق نامه است که در دوحه به امضاء رسیده است، که یک موافقه صلح نیست، تنها امضاء خروج بدون افتخار یک کشور خسته و ضعیف، و برگشت دوباره و آمدن با تمام قوت آن هایی می باشد که بزرگترین و قوی ترین قدرت نظامی دنیا (ناتو) به سرکردگی امریکا جمع 38 کشور را که جهت شکست آن ها (طالبان) تا آخرین فرد شان آمده بودند، زیر سوال میبرد.

جورج لوفیفر: انتروپولوگ، مشاور سابقه اتحادیه اروپا در پاکستان، محقق در انستیتوت روابط بین المللی و ستراتیژیکی.

Georges Lefevre : Antheropologue, ancien conseiller de l'Union européenne au Pakistan, chercheur à l'istitut de relation internationales et stratégiques (IRIS).